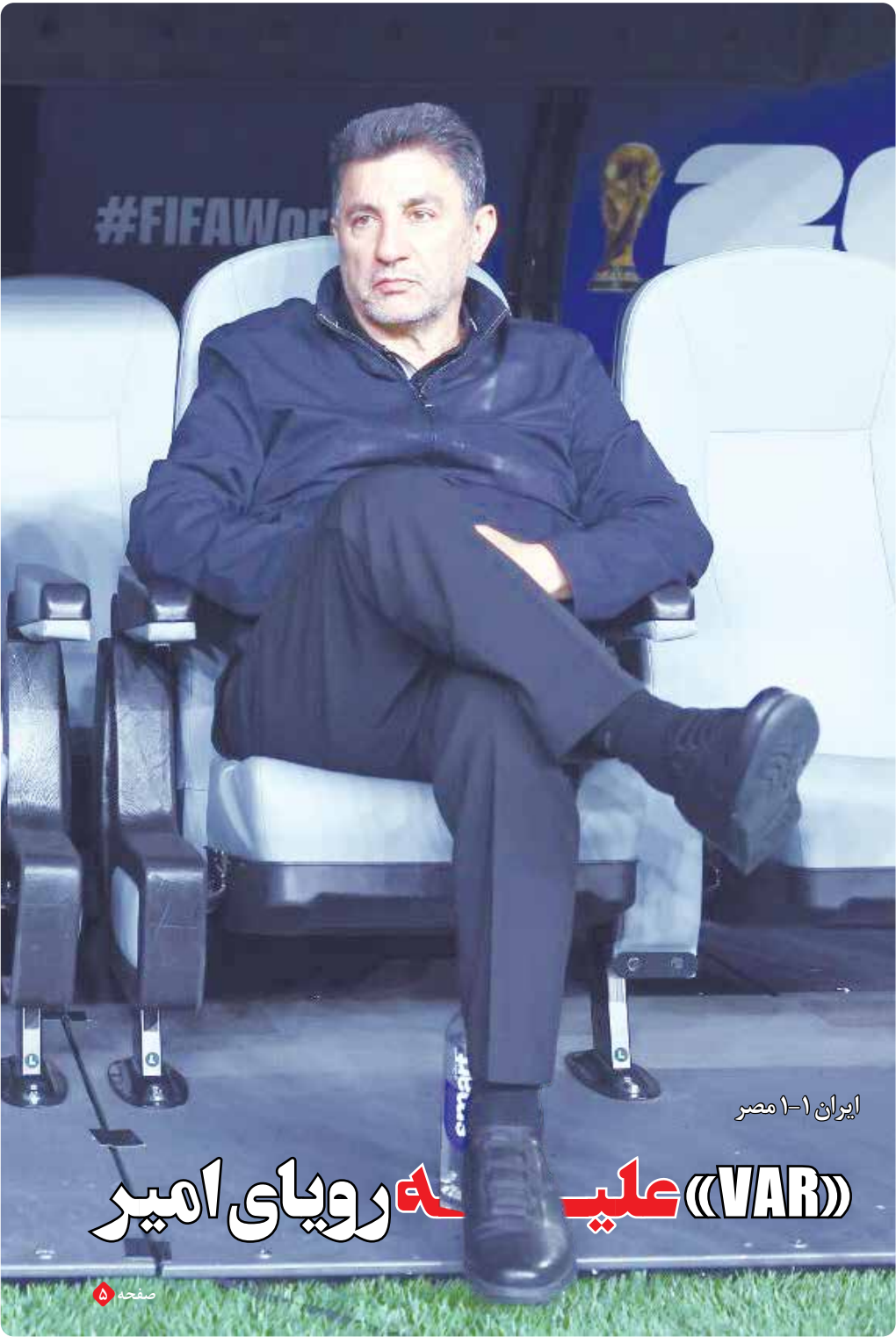




«VAR»علیه رویای امیر

صفحه ۵

تأثیرات راهبردی تنگه هرمز از جنگ تا مذاکره بررسی شد

هرمز

بازیگر جدیدر

معادلات منطقه

همین صفحه

خبر

شیخ نعیم قاسم:

«توافق نامه چار چوب»، تسلیم حاکمیت لبنان است

دبیرکل حزب الله لبنان با بیان اینکه «توافق نامه چارچوب» تسلیم حاکمیت لبنان است، به اشغالگری مشروعیت می‌بخشد و عقب‌نشینی را به خلع سلاح مقاومت مرتبط می‌کند، خواستار رد این توافق‌نامه و پایبندی به یادداشت‌تفاهم ایران و آمریکا و ادامه مقاومت تا آزادسازی کامل لبنان شد. به گزارش روز شنبه ایرنا به نقل از المنار، شیخ نعیم قاسم دبیرکل حزب الله لبنان در ادامه تصریح کرد، ربط دادن عقب‌نشینی نظامیان اسرائیلی (از جنوب لبنان) به خلع سلاح مقاومت، پیشنهادهای بسیار خطرناک است که از تمام خطوط قرمز عبور می‌کند.

وی تأکید کرد دولت لبنان در حال مشروعیت بخشیدن به ادامه اشغالگری اسرائیل برای سال‌های متمادی است و حتی ممکن است به الحاق سرزمین‌های لبنانی به اراضی اشغالی منجر شود.

و یادآوری مقاومت و فداکاری‌های این ملت بزرگ لبنان دست کشیدند و هر چه اسرائیل خواست را رایگان به او دادند. دبیرکل حزب الله خاطرنشان کرد، چه اشتباه وحشتناکی! چه گناه بزرگی است که حاکم‌ها را به دشمن اسرائیلی واگذار کنیم! نتانیاهو به ارتش لبنان اجازه می‌دهد در دو منطقه آزمایشی فعالیت کند! و دشمن مراحل استقرار و خلع سلاح آن را زیر نظر دارد. رژیم اشغالگر را برای سال‌های آینده مشروعیت می‌بخشد و حتی ممکن است منجر به الحاق این سرزمین‌ها به رژیم صهیونیستی شود! این توافقی است که لبنانی‌ها را از حق بازگشت به سرزمین خود محروم می‌کند.

وی اضافه کرد: چرا دشمن اسرائیلی باید در امور داخلی ما در لبنان دخالت کند؟ هر توافقی باید به منطقه جنوب رودخانه لیثانی محدود شود و هیچ ارتباطی با هیچ یک از مسائل داخلی لبنان در مورد سلاح، امنیت یا آینده کشور ندارد. ربط دادن عقب‌نشینی اسرائیل به خلع سلاح مقاومت در سراسر لبنان، یک پیشنهاد بسیار خطرناک است که از تمام خطوط قرمز عبور می‌کند و لبنان را به مهره‌ای در دست دشمن اسرائیلی تبدیل می‌کند!

شیخ نعیم قاسم تصریح کرد، به بهانه تعهد بیروت به خلع سلاح در ازای خروج اسرائیل از لبنان، هر سلاحی در هر کجای لبنان به عنوان نشانه‌ای از عدم پایبندی لبنان به توافق تعبیر خواهد شد! چگونه چنین چیزی ممکن است، در حالی که سلاح‌ها مطلقاً از بین نخواهند رفت؟ هیچ‌کس حق ندارد لبنانی‌ها را از حق دفاع از خود و سرزمینشان در برابر اشغالگر سرزمین ما و قاتل مردم ما محروم کند.

دبیر کل حزب الله تأکید کرد توافق چارچوب در واشنگتن تحقیرآمیز، شرم‌آور و تسلیم حاکمیت است. این توافق باطل و بی‌اعتبار است و مفاد تفاهم‌نامه ایران و آمریکا باید اجرا شود. ما تمام ابزارهای لازم را دنبال خواهیم کرد و فشارهای بین المللی و عربی را اعمال خواهیم کرد تا دشمن اسرائیلی را مجبور به رعایت بند اول تفاهم‌نامه و خروج از لبنان کنیم.

شیخ نعیم قاسم در پایان گفت: ما به عنوان مقاومت، به مبارزه خود برای شکست رژیم اشغالگر ادامه خواهیم داد. ما در سخت‌ترین شرایط، میدان را رها نکردیم و رها نخواهیم کرد، که این راه خیر و نگرسانی است.

جنگ رمضان نشان داد تنگه هرمز دیگر صرفاً یک گذرگاه انرژی نیست، بلکه مهم‌ترین اهرم ژئوپلیتیکی ایران در معادلات پس از جنگ است. اعتراف ترامپ به نقش تعیین‌کننده هرمز در توقف درگیری‌ها و تحولات اخیر کشتیرانی، این آبراه را به یکی از اصلی‌ترین محورهای مذاکرات احتمالی تهران و واشگتن تبدیل کرده است.

به گزارش روزنویز جنگ ۴۰ روزه، صرفاً یک رویارویی نظامی نبود؛ بلکه آزمونی برای سنجش وزن مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی در معادلات امنیتی منطقه به شمار می‌رفت. یکی از مهم‌ترین نتایج این جنگ، تثبیت جایگاه تنگه هرمز به‌عنوان مؤثرترین اهرم راهبردی ایران در دوره پس از درگیری بود. اگر پیش از این، هرمز بیشتر به‌عنوان شاهراه انتقال انرژی شناخته می‌شد، اکنون به متغیری تعیین‌کننده در محاسبات امنیتی، اقتصادی و دیپلماتیک بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. از همین رو، هرگونه مذاکره میان ایران و آمریکا، ناگزیر در سایه معادلات این آبراه راهبردی انجام خواهد شد.

در طول جنگ، ایران دو ابزار اصلی بازدارندگی را حفظ کرد؛ نخست، توان اثرگذاری بر امنیت و مدیریت عبور و مرور در تنگه هرمز و دوم، قابلیت پاسخ به تجاوز آمریکا از طریق هدف قرار دادن پایگاه‌ها و منافع این کشور در منطقه. با برقراری

آتش‌پس، ابزار دوم تا زمانی که تجاوز جدیدی رخ ندهد، عملاً از دستور کار خارج شده است؛ اما اهرم هرمز همچنان پابرجاست و حتی اهمیت بیشتری یافته است، زیرا بدون ورود به یک رویارویی مستقیم، می‌تواند بر تصمیمات سیاسی و اقتصادی طرف مقابل اثر بگذارد.

در گفت‌وگو با آکسیوس تصریح کرد ادامه بمباران ایران می‌توانست به بسته شدن عملی تنگه هرمز، توقف حرکت کشتی‌ها و اختلال چندماهه در صادرات نفت منجر شود. این اعتراف، صرف‌نظر از اهداف سیاسی آن، یک واقعیت راهبردی آشکار ساخت؛ برتری نظامی، لزوماً به معنای تضمین امنیت کشتیرانی در هرمز نیست. از این منظر، می‌توان گفت پایان جنگ تنها محصول ملاحظات نظامی نبود، بلکه نگرانی از تبعات اقتصادی اختلال در مهم‌ترین شریان انرژی جهان نیز در تصمیم‌واشنگتن برای توقف درگیری نقش مهمی ایفا کرد. پس از آتش‌پس، آمریکا و برخی کشورهای منطقه تلاش کردند این پیام را منتقل کنند که شرایط تنگه به وضعیت محسوب می‌شود؛ ضرورتی که بر بازار جهانی انرژی، ثبات روایت دیگری ارائه داد. نیروی دریایی سپاه هشدار داد که عبور شناورها خارج از ترتیبات مورد نظر ایران، امنیت



آخرین جزئیات مذاکرات ایران–آمریکا در سوئیس بررسی شد

آزمون دیپلماسی در ۶۰روز

بورگن‌اشتوک، اقامتگاهی اسرار آمیز بر فراز دریاچه لوسرن، شاهد نخستین مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا پس از ماه‌ها جنگ بود. انتخابی که با میانجی‌گری قطر و پاکستان، فرمتی چهارجانبه را رقم زد تا دو طرف فاقد اعتماد، بتوانند بدون رویارویی مستقیم، بر سر نقشه‌راهی ۶۰ روزه به توافق برسند. اما آیا ایجاد کمیته سطح بالا و کار گروه کاهش تنش برای لبنان، می‌تواند شکاف عمیق بر سر نظارت هسته‌ای، لغو تحریم‌ها و تضمین های امنیتی را پر کند؟ گزارشی از خطوط قرمز حقوقی–راهبردی هر طرف و چشم‌انداز پیشروی ایران و آمریکا را بخوانید.

نخستین دور از مذاکرات سطح بالا میان ایران و ایالات متحده که در ژوئن ۲۰۲۶ در بورگن‌اشتوک سوئیس برگزار شد، با میانجی‌گری مشترک قطر و پاکستان، نقطه‌عطفی در مناقشات منطقه‌ای محسوب می‌شود. این مذاکرات که در چارچوب تفاهم‌نامه اسلام‌آباد صورت گرفت، به توافقی بر سر نقشه‌راه مذاکرات ۶۰ روزه، ایجاد کمیته سطح بالا، و تشکیل «واحد کاهش تنش» برای لبنان و خط از تباطی مستقیم برای تنگه هرمز انجامید.

مذاکراتی که نشان می‌دهد که انتخاب فرمت آن، ریشه در بی‌اعتمادی عمیق تاریخی و فقدان حسن نیت دارد و اگر چه ایجاد سازوکارهای نهادهی مانند کمیته سطح بالا و سلول کاهش تنش، گامی مثبت در جهت نهاده‌پنه‌سازی گفت‌وگو محسوب می‌شود، اما شکاف‌های بنیادین بر سر نظارت هسته‌ای، لغو تحریم‌ها، و تضمین های امنیتی، به‌ویژه در رابطه با نقش ایران در لبنان و بر نامه موشکی آن، همچنان پابرجاست.

شرح درصفحه ۲

کلید باز پروری اقتصاد ایران چیست؟

از اصلاح نظام پولی

تامدیریت

منابع آب

صفحه ۶



تأثیرات راهبردی تنگه هرمز از جنگ تا مذاکره بررسی شد

هرمز بازیگر جدید در معادلات منطقه

در چنین شرایطی، تنگه هرمز می‌تواند فراتر از یک ابزار بازدارندگی نظامی عمل کند و به اهرمی برای تضمین اجرای هرگونه توافق احتمالی تبدیل شود. از نگاه تهران، بازگرداندن کامل شرایط این آبراه به وضعیت پیش از جنگ به معنای واگذاری مهم‌ترین مزیت راهبردی ایران پس از پایان درگیری خواهد بود و هرگز به آن اصرار نکرده خواهد داد. در مقابل، آمریکا نیز برای کاهش ریسک بازار انرژی و اطمینان‌بخشی به متحدان خود، به عادی‌سازی کامل وضعیت تنگه نیاز دارد.

به همین اساس، بعید است مذاکرات احتمالی آینده تنها به موضوع هسته‌ای یا رفع تحریم‌ها محدود بماند. امنیت دریانوردی، آزادی کشتیرانی، ترتیبات امنیتی خلیج فارس و نحوه مدیریت تنگه هرمز نیز به یکی از اصلی‌ترین محورهای چانه‌زنی تبدیل خواهد شد. به بیان دیگر، سایه هرمز بر همه پرونده‌های دیگر گسترده خواهد بود؛ زیرا امروز این آبراه، محل تلاقی چهار مؤلفه اصلی قدرت یعنی امنیت، انرژی، اقتصاد و دیپلماسی است.

از این رو، می‌توان انتظار داشت که تنگه هرمز در هفته‌ها و ماه‌های آینده، نقشه مهم‌ترین محور اختلاف، بلکه یکی از اصلی‌ترین ابزارهای شکل‌دهنده به هرگونه توافق احتمالی میان ایران و آمریکا باشد.

بحران مشروعیت بی‌بی

کتاب نجاتی که به

دار قدرت تبدیل شد

همین صفحه



سعید پای بند

سرمقاله



دیپلماسی بارویکرد متفاوت

تحولات اخیر در عرصه دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی نشان می‌دهد که پس از سال‌ها تنش و بی‌اعتمادی، بار دیگر فرصت‌هایی برای تقویت مسیر گفت‌وگو و تفاهم میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده در حال شکل‌گیری است. در شرایطی که منطقه خاورمیانه بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات، امنیت و توسعه اقتصادی است، رویکردهای واقع‌گرایانه در سیاست خارجی می‌تواند زمینه‌ساز کاهش تنش‌ها و حل اختلافات از طریق دیپلماسی باشد.

در این میان، دیدگاه‌های برخی چهره‌های تأثیرگذار سیاسی آمریکا از جمله جی دی ونس مورد توجه ناظران قرار گرفته است. رویکردی که بر اولویت دادن به منافع ملی آمریکا، کاهش هزینه‌های مداخلات خارجی و پرهیز از ورود به بحران‌های فرسایشی تأکید دارد. این نگاه اگرچه به معنای همسویی کامل با مواضع جمهوری اسلامی ایران نیست، اما می‌تواند فضای تصمیم‌گیری در واشنگتن را به سمت واقع‌گرایی بیشتر و بررسی راهکارهای دیپلماتیک سوق دهد.

از منظر جمهوری اسلامی ایران، تجربه سال‌های گذشته به روشنی نشان داده است که سیاست فشار، تحریم و تهدید نه تنها نتوانسته اهداف مورد نظر طراحان آن را محقق سازد، بلکه به افزایش بی‌اعتمادی و پیچیده‌تر شدن معادلات منطقه‌ای انجامیده است.

در مقابل، گفت‌وگو بر پایه احترام متقابل و توجه به منافع مشترک می‌تواند زمینه‌ساز تفاهم‌های پایدار و کاهش تنش‌ها باشد.

ادامه درصفحه ۲

بحران مشروعیت بی‌بی

کتاب نجاتی که به دار قدرت تبدیل شد

تا پیش از این توجه چندانی به آنان نداشت و امروز همان جریان‌ها با بهره‌گیری از وضعیت بحرانی وی، مطالبات سنگینی را بر او تحمیل کرده‌اند. نمود عینی این وضعیت را می‌توان در اجبار نتانیاهو به باج‌دهی به حریده‌ها مشاهده کرد. او که برای سربازی حریده‌ها تحت فشار سایر جریان‌ها و جامعه صهیونیستی قرار دارد، از سر استیصال در مسیر توافقی با آنان قرار گرفته است تا در ازای اعطای اختیارات گسترده، از انحلال زودهنگام کنتس جلوگیری کرده و انتخابات را به تعویق اندازد.

«آریه درعی»، رئیس حزب «شاس»، و «موشه گافنی»، رئیس حزب «دگل هاتورا»، در بیانیه‌ای مشترک اعلام کردند که به نتانیاهو «مطالبه‌ای قاطع» از سوی مراجع دینی حریدی ابلاغ کرده‌اند؛ مبنی بر اینکه فوراً در مسیر «قانون‌گذاری قوانین مورد نیاز» حرکت کند. این بیانیه هشدار داده است که اگر در روزهای آینده اقدام عملی صورت نگیرد، آنان از انحلال کنتس در هفته آینده حمایت خواهند کرد.

باج‌خواهی حریده‌ها و تن دادن نتانیاهو به این وضعیت تا آنجا پیش رفته است که در پی اعتراضات پرتنش و بحران‌افزین حریده‌ها نسبت به خدمت سربازی، افرادی همچون لیبرمن، نتانیاهو را متهم کرده‌اند که برای ماندن در قدرت، امتیازاتی به حریده‌ها داده که این رژیم را درگیر جنگ داخلی خواهد کرد.

بقای شکننده؛ شتاب زوال درونی رژیم

به اذعان بسیاری از ناظران سیاسی، هرچند نتانیاهو با دادن باج به حریده‌ها در پی حفظ قدرت است، اما این رفتار از دو جنبه نشانه شکست او به شمار می‌رود. از یک سو، این امتیازدهی، در حالی که پیش از این مدعی مقابله با آنان بود، نشان می‌دهد که نتانیاهو عملاً در اجرای سناریوی کسب قدرت از طریق جنگ‌افروزی و اشغالگری ناتوان بوده و هزینه‌های سنگین این جنگ‌ها، در کنار انزواء شدید جهانی، او را به چنین عقب‌نشینی واداشته است.

از سوی دیگر، رویکرد نتانیاهو به جریان‌های افراطی، تشدید شکاف‌های داخلی، بحران‌های فرهنگی و اجتماعی و سرایت آن به عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی را در پی خواهد داشت؛ روندی که حتی در صورت ماندن او بر سر قدرت نیز متوقف نخواهد شد و زوال درونی این رژیم را با شتابی بیشتر در مسیر بی‌پارگشت خود پیش خواهد برد.